



پیامدهای فقهی نظریه انتظار با تکیه بر دیدگاه‌های امام خامنه‌ای

ابوالحسن حسینی^۱

چکیده

امام خامنه‌ای در بیانات خود مکرر به مسئله انتظار مهدی موعود (عج) اشاره داشته‌اند و از آن تبیینی فعال ارائه می‌دهند. بنابر این نظریه، انتظار به معنای قانع‌نشدن به وضع موجود و اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است؛ همچنین در این نظریه، هم فرج منحصر به فرج نهایی نیست و هم به مقدمات اجتماعی فرج نهایی توجه شده است. بر اساس این نظریه، انتظار تکلیف ایجاد می‌کند. این پژوهش بر همین پایه استوار شده و می‌خواهد تبیینی از چیستی تکالیف ناشی از انتظار ارائه دهد. در باب چیستی تکالیف ناشی از انتظار به نظریه دیگری از امام خامنه‌ای (عج) توجه شده که در آن دین را علاوه بر احکام شامل سیاست‌ها نیز می‌داند. روش این تحقیق، تحلیل ساختار معنایی بوده و فرض اولیه این بوده که امام خامنه‌ای (عج) در طول سی سال رهبری‌شان تحول اساسی در نظریه‌هایش نداشته‌اند؛ فرضی که با قراین زیادی تأیید می‌شود. این نگاه به فقه با فقه فردی ناهم‌خوان است و نشان داده شده که نظریه‌های ایشان را در چهارچوب فقه نظام می‌توان به خوبی تبیین کرد. این مقاله تلاش کرده با تلفیق این دو نظریه، در چهارچوب فقه نظام، تبیینی از تکالیف ناشی از انتظار ارائه بدهد. تکالیف ناشی از نظریه انتظار از سنخ تکالیف فرعی شناخته شده در فقه فردی نیستند، بلکه از سنخ سیاست‌اند و بر همین اساس، تکالیفی سیاستی در سطح اجتماعی و فردی بیان شد. در نهایت، به عنوان نمونه، دیدگاه امام خامنه‌ای (عج) در قاعده مصلحت حفظ نظام بر اساس چهارچوب یادشده بررسی شد. ایشان نظام را تنها در حد رفع هرج و مرج نمی‌دانند، بلکه نظام را نظم حاصل از مکتب می‌دانند و بر این اساس، حفظ نظام اسلامی و نظام عادلانه واجب می‌شود و نه هر نظامی؛ همچنین ایشان عدالت اجتماعی را به عنوان سیاست ترسیم می‌کنند که حاکم بر ادله فرعی است.

واژگان کلیدی: نظریه انتظار، سیاست، امام خامنه‌ای، نظام، فرج.

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه و پژوهشگر فقه سیاسی.